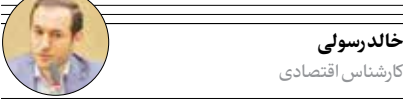


یادداشت



خالد رسولی

کارشناس اقتصادی

افق های جدید همکاری با چین در پسا جنگ

ملت بزرگ ایران در جریان جنگ اخیر، بار دیگر شاهد جلوه‌ای از همبستگی ملی، ایستادگی مردم، فداکاری نیروهای مسلح، هوشیاری فرماندهان و تلاش شبانه‌روزی دستگاه‌های اجرایی کشور بود. دلوری نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در دفاع از امنیت و تمامیت ارضی کشور، در کنار صوری و همراهی مردم، شرایطی را رقم زد که دشمنان نتوانستند به اهداف راهبردی خود دست یابند. در کنار این موفقیت‌ها، یکی از مهم‌ترین درس‌های این دوره، اهمیت تاب‌آوری اقتصادی کشور بود. تجربه جنگ نشان داد هر جا برنامه‌ریزی دقیق، سیاست‌گذاری هوشمندانه، هماهنگی میان بخش‌های مختلف و مشارکت فعال بخش خصوصی وجود داشته باشد، حتی در سخت‌ترین شرایط نیز می‌توان از بروز بحران‌های عمیق اقتصادی جلوگیری کرد و ثبات نسبی را حفظ نمود.

این تجربه ارزشمند اکنون می‌تواند به سرمایه‌ای برای دوران پسا‌جنگ تبدیل شود. همان‌گونه که در میدان دفاعی، انسجام و مدیریت صحیح موجب موفقیت شد، در میدان اقتصاد نیز برنامه‌ریزی راهبردی، توسعه تجارت خارجی، جذب سرمایه‌گذاری و بهره‌گیری از ظرفیت‌های بین‌المللی می‌تواند امروزه دوران پسا‌جنگ تنها به معنای بازسازی آنچه آسیب دیده نیست؛ بلکه فرصتی برای بازآفرینی ساختارهای اقتصادی، توسعه صنایع، توسعه زیرساخت‌ها و ارتقای جایگاه ایران در زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای و جهانی است.

در چنین شرایطی، دیپلماسی اقتصادی باید به یکی از مهم‌ترین اولویت‌های کشور تبدیل شود. در دنیا امروز، رقابت کشورها صرفاً بر سر بازارها نیست؛ بلکه بر سر جذب سرمایه، فناوری، دانش فنی، زنجیره‌های تأمین و فرصت‌های توسعه‌ای است. کشورهایی موفق خواهند بود که بتوانند ظرفیت‌های داخلی خود را با فرصت‌های بین‌المللی پیوند دهند و در اقتصاد جهانی در جهت منافع ملی خود بهره‌برداری کنند.

در این میان، جمهوری خلق چین به عنوان دومین اقتصاد بزرگ جهان، بزرگ‌ترین قدرت تولیدی دنیا و یکی از تأثیرگذارترین بازیگران تجارت و سرمایه‌گذاری بین‌المللی، می‌تواند جایگاه ویژه‌ای در مبادلات اقتصادی دوران پسا‌جنگ ایران داشته باشد.

تحولات سال‌های اخیر نشان می‌دهد که سیاست خارجی اقتصادی چین وارد مرحله‌ای جدید شده است. شرکت‌های چینی دیگر صرفاً به دنبال صادرات کالا نیستند؛ بلکه به طور گسترده در پروژه‌های زیرساختی، صنعتی، انرژی، حمل‌ونقل، فناوری‌های نوین، اقتصاد دیجیتال و زیرکارهای تأمین جهانی سرمایه‌گذاری می‌کنند. اینجکار «کمربند و راه» نیز به عنوان بزرگ‌ترین برنامه توسعه زیرساختی جهان، نشان‌دهنده عزم چین برای گسترش همکاری‌های اقتصادی بلندمدت با کشورهای مختلف است.

اقتصاد پسا‌جنگ ایران نیازمند شکل‌گیری نسل جدیدی از همکاری‌های خارجی است. دوران واردات صرف و روابط تجاری محدود دیگر پاسخگوی نیازهای توسعه‌ای کشور نخواهد بود. امروز بیش از هر زمان دیگری باید به سمت سرمایه‌گذاری مشترک،



انتقال فناوری، ایجاد خطوط تولید، توسعه مراکز تحقیق و توسعه، تأمین مالی پروژه‌های زیرساختی و مشارکت‌های صنعتی بلندمدت حرکت کرد. از سوی دیگر، بازار بازسازی و نوسازی اقتصادی ایران می‌تواند به یکی از بزرگ‌ترین فرصت‌های سرمایه‌گذاری منطقه در سال‌های آینده تبدیل شود. توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل، نوسازی صنایع، افزایش ظرفیت تولید، توسعه شهرهای هوشمند، پروژه‌های انرژی، حمل‌ونقل یلی، بندر، لجستیک و فناوری‌های نوین، همگی حوزه‌هایی هستند که ظرفیت جذب سرمایه و مشارکت بین‌المللی را دارند. در این میان، نقش مراکز تجاری، اتاق‌های بازرگانی، نهادهای توسعه‌ای و شبکه‌های تخصصی ایرانیان فعال در چین بیش از هر زمان دیگری اهمیت پیدا می‌کند. این مجموعه‌ها می‌توانند به عنوان حلقه اتصال میان طرف‌های اقتصادی ایران و ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری چین عمل کرده و زمینه شکل‌گیری پروژه‌های مشترک و پایدار را فراهم سازند. بدون تردید، آینده اقتصاد ایران تنها در بازسازی آنچه از دست رفته خلاصه نمی‌شود. آینده اقتصاد ایران در ساختن زیرساخت‌های نسل جدید، جذب سرمایه‌های مولد، توسعه تجارت بین‌المللی، تقویت بخش خصوصی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های ارزشمند ایرانیان در سراسر جهان تعریف می‌شود.

اقتصاد پسا‌جنگ می‌تواند آغاز فصل جدیدی از توسعه ملی باشد؛ فصلی که در آن تجارت، سرمایه‌گذاری، فناوری، دانش و همکاری‌های راهبردی در خدمت رشد اقتصادی کشور قرار گیرند. در این مسیر، چین نه تنها یک شریک تجاری مهم، بلکه می‌تواند یکی از مهم‌ترین شرکای توسعه‌ای ایران در دهه آینده باشد. تحقق این هدف نیازمند برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری هوشمندانه و بهره‌گیری حداکثری از تمامی ظرفیت‌های ملی و بین‌المللی است؛ ظرفیتی که اگر به درستی مدیریت شود، می‌تواند دوران پسا‌جنگ را به نقطه آغاز یک جهش اقتصادی تاریخی برای ایران تبدیل کند.



عکس

دلار ،سکه و طلا عقب نشینی کردند، بازار سهام رکوردزنی کرد

بازگشت تاریخی بورس

خرید بوده است.

عبور مقطعی شاخص از محدوده ۴.۷ میلیون واحد هم از همان نشانه‌هایی بود که فوراً در کانون توجه بازار قرار گرفت. هرچند شاخص در پایان کمی عقب نشست، اما همین لمس یک سطح جدید برای بسیاری از معامله‌گران معنی روشنی داشت؛ بازار در مقطع فعلی، دست کم از نظر روانی، خود را برای حرکت در ارتفاع‌های بالاتر آماده می‌بیند.

خرید بوده است.

یکی از جذاب‌ترین و در عین حال مهم‌ترین نکات معاملات دیروز این بود که رشد بازار به چند نماد شاخص‌ساز خلاصه نشد. نقشه فقط چند عدد درخشان روی تابلوی معاملات نبود؛ این نشانه‌ها در کنار هم از بازاری حکایت داشت که نه فقط به امروز، بلکه به آینده هم واکنش نشان می‌دهد.

جهش شاخص‌ها در روزی متفاوت

در پایان معاملات روز گذشته، شاخص کل بورس با رشد ۱۰۳ هزار و ۱۷۸ واحدی روی عدد ۴۴ میلیون و ۶۹۶ هزار و ۲۲۸ واحد ایستاد. شاخص هم‌وزن نیز با رشد ۳۰ هزار و ۹۲۷ واحدی به سطح یک میلیون و ۲۶۶ هزار و ۱۹۰ واحد رسید؛ همزمانی این دو رشد مهم است، چون نشان می‌دهد صعود امروز محدود به چند نماد بزرگ و شاخص‌ساز نبوده است.

در عین حال، ارزش معاملات خُرد به بیش از ۱۱ هزار میلیارد تومان رسید، حجم معاملات از ۴۴ میلیارد برگه سهم عبور کرد و روز ۶ هزار و ۵۶۹ میلیارد تومان پول حقیقی، نشان داد که موتور اصلی رشد امروز نه صرفاً تحرک حقوقی‌ها، بلکه ورود پر قدرت سرمایه‌گذاران خُرد به سمت

گزارش

بورس تهران در یکی از متفاوت‌ترین روزهای خود، هم جهش سنگین شاخص‌ها را ثبت کرد، هم یکدستی کم‌سابقه‌ای در سمت تقاضا به نمایش گذاشت و هم این پیام را به فعالان اقتصادی داد که تا‌ل‌ال شیشه‌ای بار دیگر به یکی از اصلی‌ترین مقاصد نقدینگی تبدیل شده است.

عبور مقطعی شاخص کل از مرز ۴.۷ میلیون واحد، ورود بیش از ۶.۵ همت پول حقیقی و سبزپوشی تقریباً کامل بازار، فقط چند عدد درخشان روی تابلوی معاملات نبود؛ این نشانه‌ها در کنار هم از بازاری حکایت داشت که نه فقط به امروز، بلکه به آینده هم واکنش نشان می‌دهد.

در پایان معاملات روز گذشته، شاخص کل بورس با رشد ۱۰۳ هزار و ۱۷۸ واحدی روی عدد ۴۴ میلیون و ۶۹۶ هزار و ۲۲۸ واحد ایستاد. شاخص هم‌وزن نیز با رشد ۳۰ هزار و ۹۲۷ واحدی به سطح یک میلیون و ۲۶۶ هزار و ۱۹۰ واحد رسید؛ همزمانی این دو رشد مهم است، چون نشان می‌دهد صعود امروز محدود به چند نماد بزرگ و شاخص‌ساز نبوده است.

در عین حال، ارزش معاملات خُرد به بیش از ۱۱ هزار میلیارد تومان رسید، حجم معاملات از ۴۴ میلیارد برگه سهم عبور کرد و روز ۶ هزار و ۵۶۹ میلیارد تومان پول حقیقی، نشان داد که موتور اصلی رشد امروز نه صرفاً تحرک حقوقی‌ها، بلکه ورود پر قدرت سرمایه‌گذاران خُرد به سمت

چرا افزایش مبادلات با اعضای اتحادیه اوراسیا

هنوز به جهش جایگاه تجاری کشور منجر نشده است؟

تجارت با اوراسیا؛ فرصت بزرگ، سهم کوچک

گزارش

با وجود رشد مبادلات ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا، سهم ایران از کل تجارت این بلوک با جهان در سال ۲۰۲۳ فقط حدود ۰.۲۴ درصد بوده و سهمش از واردات اعضای اتحادیه نیز همچنان کمتر از یک درصد مانده است؛ نشانه‌ای از اینکه ایران هنوز نتوانسته به بازیگری مؤثر در بازار اوراسیا تبدیل شود.

با این حال، داده‌ها نشان می‌دهد ارزش مبادلات ایران و اعضای اتحادیه در یک دهه گذشته روندی افزایشی داشته و از حدود ۱.۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۴ به بیش از ۳.۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۳ رسیده است. با وجود این رشد، ضعف زیرساخت‌های لجستیکی، موانع غیرتعرفه‌ای، مشکلات بانکی و نبود متولی مشخص داخلی برای اجرای مفاد توافق، همچنان مانع بهره‌برداری کامل ایران از این بازار شده است. داده‌های موجود نشان می‌دهد که حجم مبادلات دو طرف در فاصله یک دهه گذشته روندی افزایشی داشته است. صادرات ایران به این کشورها افزایش یافته و واردات از این منطقه نیز رشد کرده است. با این حال، این رشد هنوز به معنای تثبیت جایگاه ایران در زنجیره تجاری اوراسیا نیست. سهم ایران از کل تجارت خارجی این اتحادیه با جهان همچنان بسیار محدود است و بررسی سهم ایران از واردات اعضای اتحادیه نیز همین تصویر را تأیید می‌کند؛ تصویری که نشان می‌دهد بازار اوراسیا هنوز برای ایران بازاری کم‌نفع‌وذ و تا حد زیادی فتح‌نشده است.

گره اصلی: اجرای توافق تجارت آزاد

به نظر می‌رسد که گره اصلی توافق تجارت آزاد با کشورهای اوراسیا اجرای کامل و دقیق مفاد موافقت‌نامه باشد. در این چارچوب، صرف کاهش تعرفه‌ها کافی نیست و لازم است



بازار از آینده استقبال می‌کند

بورس معمولاً پیش از آنکه رویدادها به‌طور کامل محقق شوند، به نشانه‌ها واکنش نشان می‌دهد. بازار سهام ذاتاً آینده‌نگر است؛ یعنی اغلب آنچه را که تصور می‌کند در ماه‌های بعد رخ خواهد داد، زودتر در قیمت‌ها منعکس می‌کند. از همین زاویه، بخشی از رفتار بورس را می‌توان در پیوند با زرمه‌های تقویت‌شده درباره احتمال توافق و کاهش تنش‌ها فهم کرد.

می‌توان با قطعیت گفت تمام رشد دیروز محصول همین عامل بوده، اما دشوار است نقش آن را هم نادیده بگیریم. وقتی بخشی از بازار این ترس را پیدا می‌کند که ممکن است افق روابط خارجی روشن‌تر شود، فشارهای سیاسی کاهش یابد یا فضای اقتصاد قابل پیش‌بینی‌تر شود، طبیعی است که سهام زودتر از بسیاری از بازارهای دیگر واکنش نشان دهد. روز گذشته، همین نشانه در رفتار معامله‌گران دیده می‌شد؛ بازاری که در کنار بخشی از آینده را پیش‌خور کرده و به سناریوی گشایش استقبال نشان داده است.

البته این استقبال هنوز محتاطانه است و بیشتر در قالب انتظارات بروز پیدا کرده تا قطعیت. اما همین که پول حقیقی با چنین شدتی وارد بازار شده، نشان می‌دهد بخشی از سرمایه‌گذاران حاضر شده‌اند روی سناریوی کاهش نااطمینانی‌ها شرط ببندند. این همان چیزی است که بورس را سهم بزرگ نبود؛ یک صعود سراسری بود. همین نکته به بازار وزن بیشتری می‌دهد و آن را از یک جهش عادی جدا می‌کند.

وقتی بازارهای رقیب از نفس می‌افتند

صعود دیروز بورس را نمی‌شود بدون نگاه به بازارهای رقیب تحلیل کرد. هم‌زمان با جهش تا‌ل‌ال شیشه‌ای، بازار ارز، طلا و سکه در موقعیت کم‌رغم‌تری قرار داشتند. دلار افت کرد، سکه عقب نشست و طلا هم نتوانست شتاب قبلی خود را حفظ کند. این تغییر فضا لزوماً به معنای خروج گسترده سرمایه از آن بازارها و ورود کامل به بورس نیست، اما دست‌کم یک پیام روشن دارد: بخشی از جذابیت کوتاه‌مدت بازارهای موازی کاهش یافته و همین موضوع توجه‌ها را دوباره به سمت سهام برگردانده است.

بورس مدت‌ها با این گزاره روبه‌رو بود که از برخی بازارهای موازی عقب مانده است. در حالی که طلا، ارز، خودرو و برخی دارایی‌های دیگر دوره‌هایی از جهش قیمتی را تجربه کردند، بخش مهمی از سهام هنوز نتوانسته بود متناسب با تورم، رشد نرخ ارز و افزایش ارزش دارایی‌ها خود را بازتعریف کند. به همین دلیل، هر بار که از التهاب بازارهای دیگر کاسته می‌شود، بورس دوباره به عنوان یک گزینه جدی‌تر در معرض توجه قرار می‌گیرد. دیروز هم دقیقاً یکی از همان روزها بود؛ روزی که بازار سهام نتوانست از افت تب بازارهای رقیب به نفع خود استفاده کند.

روایت کارشناسان از یک جهش کم‌سابقه

در تحلیلی که در گفت‌وگو با ایرنا منتشر شده‌اند، هرکدام از زاویه‌ای به توضیح همین فضا کمک می‌کنند. سعید اسلامی بی‌دگلی رشد اخیر بورس را در پیوند با افزایش نقدینگی، بهبود جریان معاملات و جبران بخشی از عقب‌ماندگی بازار سهام نسبت به بازارهای موازی ارزیابی کرده است. او بر این نکته تأکید دارد که ورود پول حقیقی به طیف گسترده‌ای از صنایع، از فلزات اساسی و بانک‌ها گرفته تا فرآورده‌های نفتی، سیمانی‌ها، دارویی‌ها و غذایی‌ها، نشان می‌دهد اقبال به بازار محدود به چند صنعت خاص نیست و دامنه‌ای وسیع‌تر پیدا کرده است. این نکته، تصویری را که از نقشه سبز بازار دیده شد، تقویت می‌کند.

فریدن آقابزرگی هم در تحلیل خود رشد اخیر بورس را بیش از هر چیز ناشی از اثرش ذاتی بازار و شرایط بنیادی سهام دانسته است. به اعتقاد او، اگر متغیرهای سیاسی دستخوش تغییر ناگهانی نشوند، بورس همچنان از منظر ارزشی در مقایسه با برخی بازارهای دیگر در



بارها پیش

آمده که

شاخص کل

با کمک چند

سهم بزرگ

بالا رفته اما

بخش مهمی از

بازار هم‌زمان

بی‌رغم یا

حتی منفی

بوده است.

دیروز اما ماجرا

فرق داشت.

شاخص

هم‌وزن هم

با قدرت رشد

کرد و این یعنی

بدنه بازار نیز

با موح صعود

همراه شده

است. به بیان

ساده، رشد

دیروز بورس

روز یک صعود

نمایشی در

چند سهم؛

بزرگ نبود؛ یک

صعود سراسری

بود

موقعیت قابل دفاع‌تری قرار دارد. این تحلیل از آن جهت مهم است که رشد این روزهای بازار را صرفاً به هیجان نسبت نمی‌دهد، بلکه آن را به یک عقب‌ماندگی قیمتی و ظرفیت بنیادی در دل بازار پیوند می‌زند.

بورس فقط روی سود شرکت‌ها نمی‌چرخد

در کنار این نگاه، بخشی از تحلیل‌ها روی لایه عمیق‌تری هم دست می‌گذراند: بورس در اقتصاد تومی ایران فقط محل معامله سودآوری شرکت‌ها نیست، بلکه تا حدی به عرصه حفظ ارزش دارایی نیز تبدیل شده است. در تحلیلی که از سوی ایسنا منتشر شده، به این موضوع اشاره شده که در فضای یس از شوک‌های سیاسی و اقتصادی، منطق ارزش‌گذاری در بازار سهام می‌تواند از سود عملیاتی صرف فراتر برود و به سمت حفظ ارزش دارایی‌ها و هزینه جایگزینی حرکت کند.

ترجمه ساده این حرف آن است که سرمایه‌گذار فقط به سود امروز شرکت نگاه نمی‌کند. او هم‌زمان می‌سنجد که دارایی‌های آن شرکت در فضای تومی چه ارزشی دارند، هزینه ساخت دوباره آن دارایی‌ها چقدر بالا رفته و کدام صنایع می‌توانند بهتر از بقیه در برابر کاهش ارزش پول مقاومت کنند. به همین دلیل، بخشی از جذابیت امروز بورس نه فقط از محل سودآوری جاری، بلکه از مسیر منطق «حفظ ارزش» قابل توضیح است.

آیا این موج ادامه دارد؟

با وجود همه این نشانه‌ها، سؤال اصلی همچنان پابرجاست: آیا این موج می‌تواند ادامه پیدا کند یا نه؟ پاسخ این سؤال بیش از هر چیز به سه عامل بستگی دارد: پایداری ورود پول حقیقی، دوام بهبود انتظارات نسبت به آینده و میزان جذابیت بازارهای رقیب. اگر جریان نقدینگی در بازار بماند، زرمه‌های توافق با کاهش تنش‌ها تقویت شود و ارز و طلا دوباره به کانون اصلی توجه سرمایه‌گذاران تبدیل نشوند، بورس این شانس را دارد که در سطوح بالاتر نیز خود را تثبیت کند.

اما اگر بخشی از خوشبینی فعلی تخلیه شود یا بازارهای رقیب دوباره جان بگیرند، طبیعتی است که بازار سهام هم با نوسان، استراحت یا حتی اصلاح مواجه شود. به همین دلیل، رشد دیروز هرچند مهم و کم‌سابقه بود، اما بیش از آنکه نشانه‌دهنده بورس این شانس را دارد که در سطوح بالاتر انتظارات در بازار است.

عنوان	مقدار
شاخص کل بورس	۴ میلیون و ۶۹۶ هزار و ۲۲۸ واحد
میزان رشد شاخص کل	۱۰۳ هزار و ۱۷۸ واحد
بازدهی شاخص کل	۲.۲۵ درصد
سقف مقطعی شاخص	عبور از مرز ۴.۷ میلیون واحد
شاخص هم‌وزن	۴ میلیون و ۲۶۶ هزار و ۱۹۰ واحد
میزان رشد شاخص هم‌وزن	۳۰ هزار و ۹۲۷ واحد
بازدهی شاخص هم‌وزن	۲.۵ درصد
ارزش معاملات خرد	۱۱ هزار و ۳۹۱ میلیارد تومان
حجم معاملات	۴۴.۳ میلیارد برگه سهم
ورود پول حقیقی	۶ هزار و ۵۶۹ میلیارد تومان
وضعیت بازار	۱۰۰ درصد نمادها مثبت

فراآیندهای گرمی، محدودیت‌های مالی ناشی از تحریم‌ها، ضعف زیرساخت‌های حمل‌ونقل

و لجستیک و ناکارآمدی برخی سازوکارهای اداری از جمله موانعی هستند که حتی در صورت کاهش تعرفه‌ها نیز می‌توانند مانع گسترش واقعی تجارت با کشورهای اوراسیا شوند. به بیان دیگر، اگر کالاهای ایرانی نتوانند با استانداردهای مورد قبول بازارهای هدف منطبق شوند، اگر زمان و هزینه عبور از مرز و ترخیص بالا بماند، اگر شبکه حمل‌ونقل و توزیع به اندازه کافی کارآمد نباشد و اگر فعالان اقتصادی در نقل‌وانتقال مالی با مانع روبه‌رو باشند، مزیت تعرفه‌ای به تنهایی اثر تعیین‌کننده‌ای نخواهد داشت.

اوراسیا فرصت است، نه تضمین

البته خود اتحادیه اقتصادی اوراسیا نیز در سال‌های اخیر از نظر سهم در تجارت جهانی با افت نسبی مواجه بوده و حجم تجارت خارجی آن نسبت به یک دهه قبل کاهش یافته است. این واقعیت نشان می‌دهد که اوراسیا با وجود ظرفیت‌های بزرگ اقتصادی، انرژی، معدنی و ترانزیتی، بازارزی بدون محدودیت و تضمین شده نیست. بنابراین، نگاه به این بلوک باید واقع‌بینانه باشد: نه کم‌اهمیت‌انگاری، نه بزرگ‌نمایی. برای ایران، معنای این واقع‌بینی آن است که بهره‌برداری از بازار اوراسیا تنها با گتایش جغرافیایی یا وجود موافقت‌نامه تجاری حاصل نمی‌شود. رقابت‌پذیری، نظم اجرایی، کیفیت کالا، زیرساخت، دیپلماسی اقتصادی و شناخت دقیق بازارهای هدف، عناصر تعیین‌کننده‌تری هستند.

کلید تجارت با اوراسیا

در اجرای درست است

تجارت ایران با اتحادیه اقتصادی اوراسیا طی سال‌های اخیر رشد کرده، اما این رشد هنوز به افزایش معنا‌دار سهم ایران از بازار این بلوک منجر نشده است. در چنین شرایطی، موفقیت ایران در تجارت با اوراسیا بیش از آنکه صرفاً به خود موافقت‌نامه تجارت آزاد وابسته باشد، به نحوه اجرای آن گره خورده است. اگر کاهش تعرفه‌ها یا اصلاح رویه‌های اجرایی، توسعه زیرساخت‌های لجستیک، رفع موانع غیرتعرفه‌ای، هماهنگی استانداردها، فعال شدن شبکه‌های نهادی و تعیین متولی مشخص داخلی همراه نشود، ظرفیت‌های ایجادشده در حد امکان باقی خواهد ماند. در مقابل، اگر این مجموعه اقدامات به صورت هماهنگ پیش برود و هم‌زمان بر بازارهای دارای ظرفیت بالا، به‌ویژه روسیه، و بر توسعه صادرات کالاهای دارای ارزش افزوده بیشتر تمرکز شود، اوراسیا می‌تواند از یک فرصت بالقوه به یک مسیر واقعی برای توسعه تجارت خارجی ایران تبدیل شود.

فراآیندهای گرمی، محدودیت‌های مالی ناشی از تحریم‌ها، ضعف زیرساخت‌های حمل‌ونقل و لجستیک و ناکارآمدی برخی سازوکارهای اداری از جمله موانعی هستند که حتی در صورت کاهش تعرفه‌ها نیز می‌توانند مانع گسترش واقعی تجارت با کشورهای اوراسیا شوند. به بیان دیگر، اگر کالاهای ایرانی نتوانند با استانداردهای مورد قبول بازارهای هدف منطبق شوند، اگر زمان و هزینه عبور از مرز و ترخیص بالا بماند، اگر شبکه حمل‌ونقل و توزیع به اندازه کافی کارآمد نباشد و اگر فعالان اقتصادی در نقل‌وانتقال مالی با مانع روبه‌رو باشند، مزیت تعرفه‌ای به تنهایی اثر تعیین‌کننده‌ای نخواهد داشت.



داده‌های

موجود نشان

می‌دهد که

حجم مبادلات

دو طرف از

فاصله یک

دهه گذشته

روندی افزایشی

داشته است.

صادرات ایران

به این کشورها

افزایش یافته و

واردات از این

منطقه نیز رشد

کرده است. با

این حال، این

رشد هنوز به

معنای تثبیت

جایگاه ایران در

زنجیره تجاری

نیست

آن، تفاوت الگوی مرتبط با تجارت اعضا نیز مهم است؛ برخی اعضا مانند ارمنستان و قرقیزستان وابستگی بیشتری به تجارت درون‌اتحادیه دارند، در حالی که روسیه، بلاروس و قزاقستان بخش بیشتری از تجارت خارجی خود را بیرون از این بلوک انجام می‌دهند. این تفاوت به این معناست که راهبرد تجاری ایران برای همه اعضا نمی‌تواند یکسان باشد.

تجارت ایران با اوراسیا؛

هنوز محدود و متمرکز

بررسی ترکیب تجارت ایران با اعضای اتحادیه اوراسیا نیز نشان می‌دهد که تجارت دو طرف هنوز از نظر تنوع و عمق، فاصله قابل توجهی با وضعیت مطلوب دارد. صادرات ایران به این کشورها عمدتاً شامل محصولات کشاورزی، پتروشیمی و برخی کالاهای صنعتی است، در حالی که واردات ایران از اعضای اتحادیه بیشتر به غلات، فلزات اساسی، ماشین‌آلات و برخی نهادهای مهم تولید اختصاص دارد. این ترکیب نشان می‌دهد که اوراسیا برای ایران فقط یک بازار صادراتی نیست، بلکه در تأمین بخشی از کالاهای اساسی، واسطه‌ای و سرمایه‌ای نیز نقش دارد.

در سطحی جزئی‌تر، واردات ایران از کشورهای عضو نیز الگوی نسبتاً روشنی دارد: روسیه و قزاقستان بیشتر در تأمین غلات، دانه‌های روغنی و برخی نهادهای مهم نقش دارند، در حالی که بلاروس، ارمنستان و قرقیزستان نیز در برخی اقلام صنعتی، شیمیایی، معدنی و کشاورزی جایگاه مشخصی دارند. همین الگوی کالایی نشان می‌دهد که توسعه روابط با اوراسیا فقط به افزایش عدد تجارت محدود نمی‌شود، بلکه می‌تواند در امنیت غذایی، زنجیره تأمین و دسترسی ایران به برخی نهادهای تولید نیز اثرگذار باشد.

موانع غیرتعرفه‌ای

تفاوت استانداردهای فنی و بهداشتی، پیچیدگی